

حدود استقلال دول عضو معاهدات بین‌المللی مالکیت فکری بنیادین

در تدوین قوانین

فرانک خاکسار^۱

زهره فرخی^۲

بهنام انصافی آذر^۳

چکیده

تردید دولتها در پیوستن به معاهدات بین‌المللی مالکیت فکری امری منطقی می‌باشد، چه از طرفی مالکیت فکری در مقایسه با مالکیت سنتی از قدمت چندانی برخوردار نبوده و چشم‌انداز اجرای قواعد مندرج در معاهدات مزبور روشن نمی‌باشد. از سوی دیگر، نقض تعهدات مذکور در معاهدات منجر به مسؤولیت بین‌المللی دولت متخلف می‌گردد. اختیار عدول از برخی قواعد مقرر در معاهدات مزبور در قانونگذاری داخلی، راهکاری است که توسط معاهدات بین‌المللی بنیادین اتخاذ شده است. این عدول که متفاوت از حق رزرو بوده و محدود به قواعد مقرر در معاهدات مزبور می‌باشد، از طریق گسترش یا کاستن از قلمرو حمایت یا اتخاذ ضوابط خاص در حمایت حقوقی یا تدابیر قضایی و گمرکی تجلی یافته است و با نظام حقوقی احترام به استقلال حاکمیت دول عضو توجیه می‌گردد.

۱. دانشجوی دکتری، گروه حقوق خصوصی، دانشکده علوم انسانی، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران.

۲. استادیار، گروه حقوق خصوصی، دانشکده علوم انسانی، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران. (نویسنده مسؤول)
Email: Farrokhi.zohreh@gmail.com

۳. استادیار، گروه حقوق خصوصی، دانشکده علوم انسانی، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران.

واژگان کلیدی

قانونگذاری، استقلال حاکمیت دولت‌ها، آثار فکری، معاهدات بین‌المللی

مقدمه

در اهمیت احترام به حاکمیت دولت‌ها، به عنوان اصلی همواره مورد احترام (کرن و سیلوان، ۲۰۰۲ م.) می‌توان گفت که ماده ۱۰ میثاق جامعه ملل یکی از تعهدات اعضا را احترام به استقلال و تمامیت ارضی دول متعاهد اعلام نموده، به اعتقاد برخی صاحب‌نظران اصول کلی حقوقی مورد نظر در اصل ۳۸ دیوان بین‌المللی دادگستری لاهه با رعایت اصل استقلال حاکمیت دول عضو قابل اعمال است. (فردروس، ۱۳۷۴ ش.)

اما معنا و مفهوم اصل استقلال حاکمیت دولت‌ها، لغویون آن را به خودی خود به کاری ایستادن بی‌شرکت غیری معنا کرده‌اند. (دهخدا، ۱۳۷۷ ش.) در معنای اصطلاحی تعاریف متعددی از اصل استقلال ارائه شده است. (گنورگیان، ۲۰۱۴ م.) از لحاظ علوم سیاسی «داشتن قدرت تصمیم‌گیری و سیاستگذاری همراه با اعمال این تصمیم‌ها و سیاست‌ها در حیطه حاکمیت است.» (آقابخشی، ۱۳۷۶ ش.) از نظر روابط بین دولت‌ها «آزادی عمل در مسائل خارجی و برقراری روابط با سایر کشورها است.» (تقی‌زاده انصاری، ۱۳۷۹ ش.) بنابراین دولت مستقل تحت کنترل هیچ قدرت یا دولت دیگری قرار ندارد. (لال، ۲۰۰۲ م.) این اصل در عرصه بین‌المللی محدود به اصول دیگری است و دولت‌ها می‌بایستی از تفسیر موسع آن بپرهیزند. (سالنامه آی ال سی، ۱۹۷۸ م.)

اصل استقلال با کاربردهای فراوان، اصطلاحی متداول در رشته‌های مختلف حقوق و آشنا به ذهن حقوقدانان می‌باشد. آنچه در این مبحث مقصود نگارنده می‌باشد، اصل استقلال حاکمیت دولت‌هاست که یکی از مهم‌ترین مباحث حقوق بین‌الملل عمومی بوده (براون، ۱۹۱۵ م.) و ردپای آن در معاهدات بین‌المللی مالکیت فکری نیز مشاهده می‌شود، هرچند که حضور آن در این معاهدات امری غریب

نیست، زیرا همانطور که گفته شد، یکی از کارکردهای این اصل در روابط میان دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی است.

در فرض معمول، یک طرف معاهده نمی‌تواند قصور خود در اجرای معاهده را با استناد به قوانین داخلی خود توجیه نماید^۱ و هرگاه دولت متعاقد از طریق عضویت و الحاق به معاهده بین‌المللی مؤخر یا تدوین قانون داخلی برخلاف معاهده بین‌المللی مقدم، مقرره‌ای تنظیم نماید، به جهت این تخطی مسئول^۲ می‌باشد، لذا دولتی که تمایل به عضویت و الحاق به معاهده‌ای را دارد، می‌بایستی با بررسی نتایج آن و پذیرش احتمال تحقق آثاری به غیر از موارد پیش‌بینی‌شده به آن بپیوندد، بدین‌جهت تمایل دولت‌ها به عضویت در معاهدات بین‌المللی با موضوعات نوظهور کم است، بدین‌جهت در برخی از معاهدات بین‌المللی مالکیت فکری، در راستای احترام به اصل استقلال حاکمیت دول عضو بدون ایجاد مسئولیت بین‌المللی اختیاراتی {محدود به اصول و قواعد معاهدات} به ایشان اعطا شده است.

به جهت اهمیت جنبه بین‌المللی مالکیت فکری و نقشی که معاهدات بین‌المللی در ویژگی مزبور دارند. ارزیابی اصل حاکمیت دولت‌ها در معاهدات بین‌المللی مالکیت فکری به همراه مطالعه قواعد مقرر در آن یک واقعیت غیر قابل چشم‌پوشی در قرن حاضر است و با توجه به عدم عضویت کشور جمهوری اسلامی ایران در اکثر معاهدات بین‌المللی مالکیت فکری و ضرورت الحاق به موافقت‌نامه جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت فکری (تریپس)، مرور اصل حاکمیت دولت‌ها در معاهدات مزبور حائز اهمیت است که در این مقاله به تأسی از بند ۳ ماده یک موافقت‌نامه تریپس به‌هیان مصادیق اصل استقلال حاکمیت دولت‌ها در کنوانسیون پاریس ۱۹۶۷^۳، معاهده برن ۱۹۷۱^۴، کنوانسیون رم ۱۹۲۸^۵، معاهده

مالکیت فکری در خصوص مدارهای یکپارچه ۱۹۸۹^۶ و موافقت‌نامه جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت فکری ۱۹۹۴^۷ (که به ابتکار نگارنده معاهدات بین‌المللی مالکیت فکری بنیادین نامیده شده است) می‌پردازیم.

الف - مصادیق اصل استقلال حاکمیت دول عضو در معاهدات بین‌المللی مالکیت فکری بنیادین

منطقی است که دولت‌های عضو با پذیرش معاهدات بین‌المللی حاکمیت خود را محدود می‌نمایند (تقی‌زاده انصاری، ۱۳۷۹ ش.)، لیکن به جهت فراهم‌آمدن امکان هماهنگی و الحاق تعداد بیشتری از دولت‌ها به معاهدات بین‌المللی و متعاقباً همسویی بیشتر کشورها در جهت یکسان‌سازی قواعد مالکیت فکری با تأکید بر التزام به اصول و قواعد مقرر در معاهدات بین‌المللی مالکیت فکری در راستای احترام به استقلال حاکمیت کشورها اختیاراتی به دول متعاهد اعطا شده است که در ذیل به مطالعه برخی از مصادیق آن می‌پردازیم.

۱- پایبندی به معاهدات سابق و تنظیم موافقت‌نامه‌هایی در آتیه در زمینه حقوق مالکیت فکری

در طول تاریخ دولت‌ها تمایلی به دخالت دیگران در روابط سیاسی، حقوقی، تجاری‌شان با سایر حکومت‌ها نداشته‌اند. خواه این نظارت از طریق شورای مذهبی یا دولتی دیگر باشد. از طرفی هدف معاهدات بین‌المللی مالکیت فکری حمایت از حقوق مالکان این قسم از اموال است، نه دخالت در روابط دولت‌ها، بدین سبب سه معاهده بین‌المللی پاریس، برن و رم به کشورهای عضو اجازه پایبندی به معاهدات سابق و تنظیم معاهدات آتی در این خصوص تا حدودی که مغایر مفاد این

معاهدات نباشد را اعطا کرده‌اند (ماده ۱۹ کنوانسیون پاریس، ماده ۲۰ معاهده برن، ماده ۲۲ کنوانسیون رم).

۲- اعمال حمایتی فراتر از حقوق مقرر در معاهدات

از آنجایی که موافقت‌نامه‌های بین‌المللی در زمینه حقوق مالکیت فکری، حداقل استانداردها را تدوین نموده‌اند (رایکمن، ۱۹۹۵ م)، این اختیار به دول عضو اعطا شده است که از طریق تنظیم معاهدات دوجانبه یا چندجانبه {با کشورهای عضو یا غیر عضو} یا از طریق قانونگذاری داخلی (ماده ۱۹ کنوانسیون برن و ماده ۲۲ کنوانسیون رم)، علاوه بر حقوق پیش‌بینی‌شده در معاهدات بین‌المللی، امتیازاتی را برای مالکان این قسم از اموال پیش‌بینی نمایند (بند یک ماده ۱ موافقت‌نامه تریپس). نیل به این منظور ممکن است از طریق افزایش مدت حمایت، امتیازات یا افزایش مصادیق مورد حمایت تحقق یابد.

در خصوص افزایش مهلت حمایت در زمینه آثار فکری ادبی - هنری می‌توان به بند ۶ ماده ۷ معاهده برن با موضوع اعطای مدت حمایت افزون بر ۵۰ سال و بیست و پنج سال {آثار سینمایی، عکاسی و هنرهای کاربردی} و در زمینه آثار فکری صنعتی به بند ۳ ماده ۳۸ موافقت‌نامه تریپس که منجر به اعطای مدت حمایت بیشتر در ارتباط با مدارهای یکپارچه اشاره کرد.

۳- حمایت از آثار فکری با اعمال شرایطی متفاوت

این امکان برای دول عضو فراهم است که افزون بر شرایط مقرر در معاهدات، در مقررات داخلی خود الزاماتی را جهت برخورداری از حمایت قانونی تعیین نمایند. پیش‌بینی لزوم ثبت یا تکمیل فرم خاص برای حمایت از مدارهای یکپارچه (ماده ۷ معاهده واشنگتن) یا لزوم مکتوب‌بودن آثار فکری ادبی و خروج آثار ادبی شفاهی از قلمرو حمایت (بند ۲ ماده ۲ معاهده برن)، ارائه طرح و نقشه اختراع

جهت ثبت آن (بند ۱ ماده ۲۹ موافقت‌نامه تریپس)، ارائه اطلاعاتی درخصوص اظهارنامه‌های خارجی و حقوق دریافتی از ورقه اختراع در خارج (بند ۲ ماده ۲۹ موافقت‌نامه تریپس) و لزوم بصری‌بودن (بند ۱ ماده ۱۵ موافقت‌نامه تریپس)، استفاده درست از واژه‌های توصیفی (بند ۳ ماده ۱۵ موافقت‌نامه تریپس)، استعمال علامت در ثبت علامت تجاری (ماده ۱۷ موافقت‌نامه تریپس، بند ۱ از بخش «ج» ماده ۵ کنوانسیون پاریس) و تجویز تغییر معیار حمایت از ملیت به محل اولین تثبیت در حمایت از حامل‌های صوتی (ماده ۱۷ کنوانسیون رم) و تعیین دارندگان حقوق و شکل تعهد پدیدآورندگان مشارکت‌کننده در آثار سینمایی (بندهای «الف» و «ج» از بند ۲ ماده ۱۴ مکرر معاهده برن)، یا استقرار هر دو سازمان پخش و فرستنده در کشور عضو مورد درخواست جهت حمایت از سازمان‌های پخش رادیویی (بند ۲ ماده ۶ کنوانسیون رم)^۸ و همچنین اختیار دول عضو در تعیین نظام ضبط موقت آثار ادبی و هنری توسط سازمان رادیویی با دستگاه‌های خود جهت برنامه‌های خود (بند ۳ ماده ۱۱ مکرر معاهده برن) را می‌توان به عنوان مصادیق این اختیار نام برد.

۴- اختیار اتخاذ راه حل‌های حقوقی

با ملاحظه معاهدات بین‌المللی درمی‌یابیم در برخی از مصادیق مالکیت فکری اختیار تعیین نوع حمایت به دول عضو اعطا شده است. مصداق بارز آن حمایت از طرح می‌باشد که اعضا می‌توانند تعهد ناشی از آن را تحت عنوان طرح‌های صنعتی به عنوان اثر فکری صنعتی یا تحت آثار ادبی و هنری حمایت نمایند. مورد دیگر ماده ۴ معاهده واشنگتن می‌باشد که به موجب آن دول عضو در اجرای تعهدات خود از طریق قانون خاص در مورد طرح‌های چیدمان (توپوگرافی) یا قانون دیگری با موضوع حق چاپ، حق اختراع، مدل‌های کاربردی، طرح‌های

صنعتی، رقابت ناعادلانه یا هر قانون دیگر یا ترکیبی از هر یک از آنها آزاد خواهند بود.

۵- اتخاذ تدابیر گمرکی و قضایی

حمایت از حقوق مالکیت فکری در پرتو تدوین مقررات در ضمن معاهدات بین‌المللی یا قانونگذاری داخلی صورت گرفته و تدوین ضمانت اجرای قانونی لازمه این حمایت است که دولت‌ها با توجه به شرایط اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی در اعمال این حمایت‌ها، ضمانت اجرای متفاوتی را اتخاذ نموده‌اند، بدین‌ترتیب که معاهدات بین‌المللی مالکیت فکری عموماً در این خصوص محدودیتی پیش‌بینی ننموده، دول عضو در اتخاذ روش‌های قانونی گمرکی و قضایی مخیر می‌باشند. به عنوان نمونه، بر طبق ماده ۱۷ معاهده برن این معاهده «به حقوق دولت عضو در به کارگیری تدابیر قانونی یا انتظامی در تجویز نظارت یا جلوگیری از گردش، عرضه و به معرض نمایش گذاشتن هر اثر یا تولید که وفق قانون اتخاذ شده و مقام ذی‌صلاح دارای حق اجرای آن می‌باشد، خدش‌های وارد نمی‌نماید.» (محمدزاده وادقانی و محسنی، ۱۳۸۸ ش.) همچنین به موجب بند ۳ ماده ۱۶ همان معاهده توقیف کالاهای تقلبی وفق قانون هر کشور صورت می‌گیرد.

البته باید توجه داشت کشورهایی که به سازمان تجارت جهانی و به تبع آن به موافقت‌نامه جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت فکری و سایر موافقت‌نامه‌های این سازمان پیوسته‌اند مکلف به اتخاذ تدابیر قضایی و گمرکی می‌باشند.

۶- اختیارات کشورهای عضو برای عدول از برخی مقررات معاهدات

بین‌المللی مالکیت فکری بنیادین

همانطور که گفته شد، پیش‌بینی استثنائات^۹ در معاهدات بین‌المللی مالکیت فکری امری اجتناب‌ناپذیر است، لیکن این استثنائات محدود بوده و نمی‌بایستی به

حقوق معنوی و منافع مشروع دارنده حق و اشخاص ثالث خدش‌های وارد نماید.^{۱۰} منظور از منافع مشروع که که قلمرو آن گسترده‌تر از منافع قانونی می‌باشد، منافعی است که به موجب قوانین امری کشور مربوطه و دیگر هنجارهای اجتماعی توجیه‌پذیر باشد. (کنفرانس تجارت و توسعه سازمان ملل متحد واحد مالکیت فکری، ۲۰۰۰ م.) بنابراین با در نظر گرفتن تمایز بین استثنائات و محدودیت‌های حقوق مالکیت فکری، دول عضو محدود به مفاد موافقت‌نامه، منافع مشروع مالکان آثار فکری و اشخاص ثالث از این اختیار برخوردار خواهند بود که از قلمرو حقوق مالکیت فکری بکاهند. استثنای دیگری که در قالب دسته‌بندی ذیل نمی‌گنجد و یادآوری آن مفید است. عدم الزام دول عضو به اعطای حمایت حداقلی مقرر در ماده ۱۳ معاهده رم به سازمان‌های پخش رادیویی است (بند «ب» ماده ۱۶ کنوانسیون رم).

پیش از بیان مصادیق اختیارات دول متعاهد برای عدول از برخی قواعد مقرر در معاهدات، می‌بایستی تمایز اختیار مزبور با حق رزرو یادآوری شود، چراکه در برخی متون حقوقی با تأکید به تمایز این دو مفهوم، هر دو را تحت عنوان حق شرط بیان نموده‌اند. (فلسفی، ۱۳۹۳ ش؛ روسو، ۱۹۷۹ م.)

حق رزرو با معادل فارسی حق شرط یا تحدید تعهد که بخش دوم از موافقت‌نامه وین (۱۹۶۹ م.) به آن پرداخته، عبارت است از: بیانیه یک‌جانبه‌ای که یک کشور تحت هر نام یا عبارت در زمان امضا، تنفیذ، قبول، تصویب یا الحاق به یک معاهده صادر می‌نماید و به وسیله آن، قصد خود دایر بر عدم شمول یا تعدیل آثار حقوقی بعضی از مقررات معاهده را نسبت به خود اعلام می‌نماید (بند «د» ماده ۲ موافقت‌نامه وین) و برای اینکه رزرو مؤثر باشد، ضروری است در طی اعلانیه‌ای مکتوب به اطلاع سایر دول متعاهد رسیده و دول مزبور با آن مخالفت

نمایند. همچنین شرط مزبور منافاتی با هدف معاهده نداشته و معاهده حق شرط را ممنوع نکرده باشد.

نکته‌ای که می‌بایستی در تعریف حق رزرو یا حق تحدید مورد توجه قرار گیرد، ضرورت اعلام بیانیه است، بدین‌معنا که شرط مورد نظر {رزرو} جزء لاینفک معاهده قرار نمی‌گیرد و صرفاً از طریق اعلانیه بیان می‌گردد. «در نتیجه اگر به موجب یکی از مواد معاهده اجرای آن ماده در قبال سرزمینی و اوضاع و احوال خاص استثنا شده باشد، نمی‌توان بیان داشت که آن معاهده متضمن حق شرط است، زیرا در این قبیل موارد، قاعده مزبور صرفاً به نحوه اجرای تعهدات حقوقی اشاره کرده است.» (الیاسی، ۱۳۸۳ ش.)

لذا با عنایت به ممنوع‌شدن حق رزرو در معاهدات مالکیت فکری بنیادین^{۱۱} و همچنین ذکر صریح موارد استثنا در معاهدات مزبور، نظریه تمایز مبحث تحت بررسی از حق رزرو یا شرط تحدید تقویت می‌گردد.

۱-۶- عدم حمایت برخی از مصادیق فکری: در خصوص آن دسته از مصادیق فکری که دول عضو در حمایت از آنها اتفاق نظر ندارند. این امتیاز برای دول متعاهد پیش‌بینی شده است که حسب مورد مصادیق مزبور را مورد حمایت حقوقی قرار ندهند. به طور مثال در خصوص طرح‌های صنعتی به موجب بند ۱ ماده ۲۵ موافقت‌نامه تریپس اعضا می‌توانند طرح‌هایی که تحت تأثیر ملاحظات فنی یا کارکردی تهیه شده‌اند را از قلمرو حمایت خارج نموده، همچنین طراحی‌هایی که با طرح‌های شناخته‌شده تفاوت چشم‌گیری ندارند را به عنوان طرح جدید یا اصیل^{۱۲} تلقی ننمایند. همچنین به موجب بخش «ج» ماده ۳۱ همان موافقت‌نامه در صورتی که قانون دولت عضو حمایت از مدارهای یکپارچه را

محدود به طرح‌های نیمه‌هادی کرده باشد. علیرغم بند ۱ ماده ۲ آن دولت همچنان می‌تواند این محدودیت را اعمال نماید.

موارد دیگری را که می‌توان بر مصادیق فوق افزود. خروج برخی ابتکارات از شمول تعریف اختراع در برخی از کشورهای عضو و اطلاق عنوان اختراع کوچک بر آن در کشور دیگر، ابطال گواهینامه صادره یا رد نام تجاری ثبت‌شده به سبب فقدان صفت تمیز کالا یا خدمات شخص از کالا و خدمات سایر تولیدکنندگان و عرضه‌کنندگان کالاها یا خدمات یا به جهت کاربرد خاص نام در زبان کشور مورد تقاضا.^{۱۳}

در مورد آثار ادبی و هنری نیز معاهده برن اجازه خروج یک سری مصادیق را از قلمرو حمایت به کشورهای عضو اعطا نموده است. به موجب ماده ۲ مکرر این معاهده، دول عضو مخیرند تمام یا بخشی از حمایت مقرر در ماده ۲ را نسبت به سخنرانی‌های سیاسی و سخنرانی‌های ایرادشده در جریان رسیدگی‌های قضایی، حذف نمایند و شرایطی مقرر نمایند که بر اساس آن، کنفرانس‌ها، خطابه‌ها و سایر آثار مشابه که برای عموم ایراد شده‌اند با هدف اطلاع‌رسانی، توسط مطبوعات تکثیر یا از طریق رادیویی یا با وسایل با سیم برای عموم پخش شده، موضوع اطلاع‌رسانی عمومی قرار گیرند.

۲-۶- استثنانمودن برخی حقوق مادی و معنوی: ممکن است دولتی بر حسب شرایط بومی، اجتماعی، اقتصادی و حساسیت عمومی، مصلحت خود را در عدم حمایت برخی از حقوق مادی مالکان آثار فکری بداند. (محمدزاده وادقانی و حکیم شفایی، ۱۳۹۳ ش.) به همین جهت در برخی از معاهدات بین‌المللی در خصوص مصادیق مورد اختلاف اختیار اعمال محدودیت‌هایی به اعضا داده شده است.

کاهش مهلت حمایت از جمله استثنائات حقوق مادی می‌باشد که در زمینه آثار فکری صنعتی می‌توان به موافقت‌نامه تریپس در ارتباط با طرح‌های صنعتی و مدارهای یکپارچه اشاره کرد، بدین‌صورت که در خصوص طرح‌های صنعتی علاوه بر امکان حذف دوره‌های قابل تمدید، امکان پیش‌بینی مدت حمایت ده ساله در نظر گرفته شده است (بند ۳ ماده ۲۶ موافقت‌نامه تریپس) و در خصوص مدارهای یکپارچه اعضا می‌توانند مقرر نمایند مدت حمایت ۱۵ سال پس از ابداع، طرح ساخت باشد (بند ۳ ماده ۳۸ موافقت‌نامه تریپس). در مورد آثار سینمایی «معاهده برن این اختیار را به اعضا داده است که علیرغم مدت ۵۰ ساله حمایت آثار ادبی از زمان مرگ پدیدآورنده مدت حمایت را پنجاه سال از تاریخی که اثر با موافقت پدیدآورنده آن در دسترس عموم قرار گرفته و در فرض عدم انجام چنین امری طی پنجاه سال از تاریخ تهیه اثر تعیین نماید» (بند ۱ و ۲ ماده ۷ معاهده برن) و نهایتاً بند ۷ ماده ۷ این معاهده «برای آن دسته از کشورهای عضو اتحادیه که به سند اصلاحی رم این کنوانسیون متعهد شده‌اند و مطابق قوانین لازم‌الاجرای ملی خود در زمان امضای این سند {از طریق تصویب یا الحاق} مدت‌های حمایت کمتری {از آنچه در بندهای قبل تعیین‌شده} اتخاذ نموده‌اند، اختیار التزام به همان مدت‌ها را قائل شده است.» (محمدزاده وادقانی و محسنی، ۱۳۸۸ ش).

استثنا به حق تکثیر، محدودیت دیگری از حقوق مادی می‌باشد. (میرحسینی، ۱۳۹۴ ش). مطابق بند ۱ و ۲ ماده ۲ مکرر معاهده برن دول عضو مخیرند بخشی از حمایت مقرر در ماده قبلی یا تمام آن را نسبت به سخنرانی‌های سیاسی و سخنرانی‌های ایرادشده در جریان رسیدگی‌های قضایی حذف نمایند. همچنین شرایطی را معین نمایند که بر اساس آن‌ها کنفرانس‌ها، خطابه‌ها و سایر آثار مشابه که برای عموم ایراد شده‌اند، توسط مطبوعات تکثیر، یا از طریق رادیویی یا

با وسایل با سیم برای عموم پخش شده و موضوع اطلاع‌رسانی به عموم مقرر در بند ۱ ماده ۱۱ مکرر این معاهده قرار گیرند، هنگامی که چنین استفاده‌ای با هدف اطلاع‌رسانی عمومی توجیه می‌شود (محمدزاده وادقانی و محسنی، ۱۳۸۸ ش.) و به موجب ماده ۱۰ مکرر همان معاهده تکثیر مقالات «راجع به مسائل روز اقتصادی، سیاسی یا مذهبی که در روزنامه‌ها یا مجلات دوره‌های منتشر شده‌اند یا آثار پخش‌شده رادیویی مشابه که توسط وسایل ارتباط جمعی یا پخش رادیویی یا پخش با وسایل ارتباطی با سیم در مواردی که صراحتاً منع نشده، تجویز نمایند.» (محمدزاده وادقانی و محسنی، ۱۳۸۸ ش.) در هر حال تکلیف به ذکر منبع اجباری است. کنوانسیون رم نیز به دول متعاهد اجازه داده است که در قوانین ملی خود محدودیت‌هایی را برای حمایت از حقوق اجراکنندگان، تولیدکنندگان آثار صوتی و سازمان‌های پخش رادیویی قائل شوند. این استثنائات عبارتند از: استفاده خصوصی، استفاده از قطعات کوتاهی از آثار و برنامه‌ها در رابطه با گزارش‌ها و وقایع جاری، ضبط گذرا و پایدار از سوی یک سازمان پخش‌کننده به وسیله دستگاه‌های خود، جهت استفاده آموزشی و تحقیقاتی. (شفیعی شکیب، ۱۳۸۱ ش.)

در خصوص حقوق معنوی، بر طبق ماده ۶ معاهده برن «مستقل از حقوق مادی و حتی پس از انتقال این حقوق پدیدآورنده دارای حق معنوی نسبت به اثر است و می‌تواند به هرگونه تحریف، حذف یا هر نوع تغییر اثر یا هر نوع لطمه دیگر نسبت به آن که موجب خدشه‌دارشدن اعتبار یا شهرت او شود، اعتراض نماید. این حقوق تا زمان مرگ و خاتمه حقوق مادی حفظ می‌شود، اما کشورهایی که قوانین ملی آن‌ها در زمان تصویب یا الحاق به معاهده برن فاقد مقررات حمایتی پس از مرگ می‌باشند، می‌توانند مقرر نمایند، برخی از این حقوق، با مرگ پدیدآورنده

خاتمه یابد» (محمدزاده وادقانی و محسنی، ۱۳۸۸ ش.)، البته به موجب ماده ۹ موافقت‌نامه تریپس اعضای سازمان تجارت جهانی تکلیفی در خصوص حقوق اعطایی مندرج در ماده ۶ مکرر معاهده برن و حقوق ناشی از آن ندارند. نتیجه آنکه کشور عضو معاهده برن که حقوق معنوی را پذیرفته از طرفی متعهد به رعایت حقوق معنوی کشور عضو اتحادیه برن می‌باشد و از طرف دیگر حق طرح دعوا راجع به نقض حقوق معنوی را در هیأت حل دعوی سازمان تجارت جهانی ندارد. (آموزگار، ۸۳-۱۳۸۲ ش.)

۳-۶- استثنانمودن به منظور حفظ منافع و رفع نیازهای عمومی:

رعایت منافع عمومی مهم‌ترین مانع در اعمال مقررات حمایتی پدیده‌های فکری است. به واقع منافع عمومی مرزی برای حقوق مالکیت فکری تلقی می‌گردد. اصطلاح منافع عمومی مفهومی کلی با قلمرویی وسیع می‌باشد و در معاهدات بین‌المللی مالکیت فکری مفهوم عام آن مد نظر است. منفعت عمومی کشورهای عضو در داخل مرزها و منفعت جامعه جهانی، آنجا که جهت حمایت از کشورهای در حال توسعه توقع تعدیل قواعد مقرر در معاهدات می‌رود.

تأمین منافع عمومی داخلی، ممکن از طریق عدم حمایت برخی مصادیق مالکیت فکری یا اجازه بهره‌برداری محدود از آثار فکری مشمول حمایت یا صدور مجوز اجباری باشد.

در خصوص عدم حمایت از برخی مصادیق مالکیت فکری به جهت حفظ منافع عمومی، می‌توان به امکان افشای اسرار تجاری، جهت حمایت از عامه مردم (ماده ۳۹ موافقت‌نامه تریپس)، یا غیر قابل ثبت‌شناختن روش‌های تشخیص درمان و جراحی برای درمان انسان و حیوان، همچنین عدم ثبت گیاهان و حیوانات غیر از میکروارگانیسم‌ها، فرآیندهای اساساً بیولوژیک تولید گیاهان یا

حیوانات غیر از فرایندهای غیر بیولوژیک و میکروبیولوژیک به عنوان اختراع اشاره کرد (ماده ۲۷ موافقت‌نامه تریپس). علاوه بر آن به جهت حفظ بهداشت عمومی به عنوان یکی از مصادیق منافع عمومی، اعضا در تنظیم یا اصلاح قوانین و مقررات ملی خود می‌توانند اقدامات لازم را برای حفظ بهداشت، تغذیه و همینطور گسترش منافع عمومی در بخش‌های حائز اهمیت حیاتی برای توسعه اجتماعی، اقتصادی و تکنولوژیک اتخاذ نمایند. مشروط بر اینکه اقدامات مزبور با مقررات حاضر منطبق باشند (ماده ۸ موافقت‌نامه تریپس). همچنین به موجب معاهده برن «قانونگذاران کشورهای عضو از اختیار اعطای اجازه تکثیر آثار ادبی - هنری در موارد خاص برخوردارند (حفظ منافع عمومی می‌تواند یکی از موارد خاص باشد). مشروط بر اینکه چنین تکثیری به بهره‌برداری عادی اثر لطمه وارد نکرده و به منافع قانونی پدیدآورنده زیان غیر موجه وارد نسازد.» (محمدزاده وادقانی و محسنی، ۱۳۸۸ ش). علاوه بر آن بهره‌برداری از آثار فکری ادبی - هنری {تکثیر، پخش رادیویی، ضبط صوتی یا تصویری} به جهت استفاده آموزشی و تحقیقات علمی به شرط آنکه معقول باشد و با توجه به هدف آن مناسب باشد، مجاز است (ماده ۱۰ معاهده برن).

روش دیگر جهت حفظ منافع عمومی، صدور مجوزهای اجباری، تحت شرایط مقرر می‌باشد که بسته به موضوعات تحت حمایت معاهدات بین‌المللی بینادین، مصادیقی از آن‌ها را می‌توان ملاحظه کرد. در خصوص مالکیت فکری صنعتی صدور مجوز اجباری جهت بهره‌برداری از اختراع، نمونه‌های اشیای مفید، فناوری‌های نیمه‌هادی و مدارهای یکپارچه در کنوانسیون پاریس و موافقت‌نامه تریپس پیش‌بینی شده است.

تمهیدات اعطایی به کشورهای در حال توسعه به جهت حفظ منافع ایشان، راهکار دیگری است که در برخی از معاهدات بین‌المللی بنیادین جهت الحاق تعداد بیشتری از کشورهای جهان به معاهدات مزبور اتخاذ شده است، زیرا تردیدی که برای کشورها در حال توسعه وجود دارد، این است، همچنانکه حمایت برخی از مصادیق فکری از جمله دانش سنتی، علائم جغرافیائی و اسم مبدأ به نفع ایشان می‌باشد. الزام به پذیرش حمایت حقوقی برخی از اختراعات و آثار ادبی، مانع پیشرفت این کشورها خواهد شد، بدین جهت در معاهدات بین‌المللی بنیادین از جمله معاهده برن و موافقت‌نامه تریپس در ارتباط با کشورهای عضو با کمترین درجه توسعه‌یافتگی تمهیداتی در نظر گرفته شده است.

پیوست معاهده برن با دقت و ظرافت خاص در طرح امتیازات و مواعد استفاده از آن «برای کشورهایی در حال توسعه که معاهده برن و پیوست آنکه بخش جداناپذیر آن می‌باشد را پذیرفته یا به آن ملحق شده و با توجه به وضعیت اقتصادی و نیازهای اجتماعی و فرهنگی خود قادر نیستند بلافاصله مقررات متناسبی را در راستای تضمین حمایت از حقوق مالکیت فکری ادبی {آن‌گونه که معاهده برن مقرر نموده} رعایت نمایند از این امتیاز بهره‌مند می‌باشند که در هنگام تودیع سند پذیرش یا الحاق {با رعایت بخش «ج» بند یک ماده ۵ پیوست} یا هر زمان پس از آن با تودیع اعلامیه‌ای به دبیر کل اعلام نمایند که مایلند از اختیارات مقرر در ماده ۲ یا ۳ پیوست یا از مجموع آن برخوردار گردند.» (محمدزاده وادقانی و محسنی، ۱۳۸۸ ش.)

معاهده دیگری که متضمن تمهیداتی برای کشورهای در حال توسعه می‌باشد، موافقت‌نامه تریپس است. در این موافقت‌نامه علیرغم آنکه دوره انتقالی برای کشورهای عضو یک سال می‌باشد (بند ۱ ماده ۶۵). به لحاظ محدودیت‌های

اقتصادی، مالی و اداری، شرایط ویژه و نیاز کشورهای عضو با کمترین درجه توسعه‌یافتگی به برخورداری از انعطاف بیشتر جهت ایجاد زیرساخت فنی با دوام ملزم به رعایت مقررات این موافقت‌نامه تا ۱۰ سال پس از اجرای آن نمی‌باشند (به استثنای تعهدات مقرر در مواد ۳، ۴ و ۵ موافقت‌نامه). شورای جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت فکری به مجرد درخواست به جا و به موقع کشور عضو با کمترین درجه توسعه‌یافتگی این مدت را تمدید خواهد کرد (ماده ۶۶ موافقت‌نامه).

۴-۶- استثنانمودن به جهت رعایت نظم عمومی: رایج‌ترین مورد تجویز استثنا، نظم عمومی داخلی کشورهای متعاقد می‌باشد که حتی بدون ذکر در معاهدات مورد مطالعه نیز قابل اعمال است، زیرا هیچ دولتی اجازه اعمال قواعد خلاف نظم و امنیت عمومی داخلی کشورش را نمی‌دهد (کاتوزیان، ۱۳۹۴ ش.). بدین‌جهت در برخی از معاهدات و کنوانسیون‌های بین‌المللی به رعایت نظم عمومی اشاره شده است، از جمله مصادیق فکری که احتمال تعارض حمایت از مالکیت آن با نظم عمومی کشوری که حمایت از آن درخواست شده، علائم تجاری است که ثبت آن در کشور مورد درخواست ممنوع می‌باشد. به عنوان نمونه «طبق بند ۳ بخش «ب» ماده ۶ خامس کنوانسیون پاریس، دول عضو می‌توانند از ثبت علامت‌هایی که برخلاف اخلاق یا نظم عمومی می‌باشند. بلاخص آن‌هایی که ممکن است باعث فریب مردم گردد، ممانعت به عمل آورند و به موجب بند ۱۰ ماده ۶ ثالث این کنوانسیون، مقررات فوق مانع آن نخواهد بود که دول متعاقد از حق امتناع یا ابطال ثبت مقرر در بخش «ب» بند ۱ ماده ۶ ثالث در مورد استفاده غیر مجاز علامت‌های تجاری از نشان‌ها و درفش‌ها و سایر نقش‌های دولتی یا نشانه و مهرهای رسمی یکی از ممالک عضو استفاده نمایند.

بدیهی است که نمی‌توان علامتی را صرفاً به این جهت که با بعضی از مقررات علائم تجارتي تطبیق نمی‌کند، برخلاف نظم عمومی تلقی نمود، مگر اینکه آن مقررۀ مربوط به نظم عمومی باشد.^{۱۴}

همچنین به موجب اختیارات موافقت‌نامه تریپس «اعضا می‌توانند جهت حفظ نظم عمومی یا اخلاق، از جمله حفظ حیات یا بهداشت انسان، حیوان یا گیاه یا برای اجتناب از لطمه جدی به محیط‌زیست، برخی نوآوری‌ها را از زمره اختراعات قابل ثبت مستثنی سازند» (بند ۲ ماده ۲۷ موافقت‌نامه تریپس).

ب - تمایز اصل استقلال حاکمیت دولت‌ها از اصل استقلال حقوق

نتیجه اختیار دول عضو معاهدات بین‌المللی بنیادین در کاهش یا افزایش قلمرو مالکیت فکری، ظهور دو وضعیت متعارض حقوق کمتر و حقوق بیشتر می‌باشد، بدین ترتیب کشورهایی که قلمرو حقوق اعطایی را محدود نموده‌اند، در مقایسه با دولت‌هایی که منطبق با مفاد معاهدات بین‌المللی رفتار می‌نمایند و کشورهایی که به استناد اختیارات اعطایی به قلمرو امتیازات افزوده‌اند، حقوق کمتری به مالکان آثار فکری و حقوق مرتبط اعطا می‌نمایند. به عنوان نمونه هر کشوری می‌تواند آزادانه در خصوص برخی موارد، نظیر شرایط مربوط به ثبت اثر فکری ادبی یا صدور ورقه اختراع متناسب با نیازها و وضعیت داخلی تدابیری اتخاذ نماید. (شیخی، ۱۳۹۴ ش).

حال سؤالی که مطرح می‌شود، این است که اگر در راستای اعمال اصل استقلال حاکمیت دولت‌ها در اجرای قوانین دول عضو تعارضی پیش آید، کدام قانون ملاک است؟ قانون کشوری که مفاد آن منطبق با مفاد معاهدات بین‌المللی

است یا قانون کشوری که قواعدی متفاوت از متن معاهدات مزبور مقرر نموده است؟

پاسخ به این سؤال، در اصل استقلال حقوق که به اصل رفتار مستقل نیز تعبیر و در دو معاهده پاریس و برن به آن اشاره شده (دینوودی، ۲۰۰۹ م.)، مستتر است. این اصل که امروزه در بحث‌های آکادمی مورد توجه قرار گرفته، علاوه بر جایگاه اصلی آن به عنوان اصلی در دعوای مسئولیت مدنی، به عنوان قاعده حل تعارض قوانین مطرح گردیده است. (ماتولیونیت، ۲۰۱۳ م.)

به موجب این اصل، اثر در کشورهای متعاهد می‌بایستی مستقل از قانون کشور مبدأ {به طور مثال محل اولین انتشار اثر یا صدور ورقه اختراع} مورد حمایت قرار گیرد. (بوشیو، ۲۰۱۳ م.) منظور از کشور مبدأ دولت عضوی است که دارنده حقوق انحصاری در آن دارای یک مؤسسه صنعتی یا تجارتي حقیقی و معتبر باشد و در غیر این صورت، دولت عضوی است که دارنده حق انحصاری در آن اقامتگاه داشته و در فرض عدم اقامت از اتباع آن کشور باشد (بند «ج» ماده ۶ کنوانسیون پاریس).

بنابراین اگر کشور مبدأ تشریفات خاصی را برای حمایت از اثر فکری تحمیل نماید. مالک آن جهت برخورداری از حمایت در سایر کشورهای عضو مکلف نیست، ثابت نماید که تشریفات مزبور انجام شده و همچنین است زمانی که کشور مبدأ از اثر مورد بحث که ممکن است اثر ادبی یا اختراع باشد، حمایت نکرده یا به نحو دیگری حمایت نماید. (زرکلام، ۱۳۹۳ ش.)

اصل استقلال حقوق «در رأی دادگاه تجدید نظر فرانسه (شماره ۱۱-۱۲.۵۰۸ و ۱۱-۱۲.۵۰۹ مورخ ۱۰ آوریل ۲۰۱۳ م.) منعکس گردیده است، در پرونده مذکور یک گزارشگر/ فیلمبردار توسط یک شرکت آمریکایی در سال ۱۹۷۸

استخدام شد و سپس در سال ۱۹۹۳ نقشی در زیرمجموعه فرانسوی آن بر عهده گرفت. وی پس از اخراجش در سال ۲۰۰۴، شکایتی علیه کارفرما به جهت نقض حق چاپ خود مطرح نمود. تفسیر دادگاه بدوی از قواعد حل تعارض قوانین منجر به اعمال قانون کشور مبدأ اثر، یعنی ایالات متحده شد که طبق قوانین آن کپی‌رایت اثری که توسط یک کارمند ایجاد می‌شود، متعلق به کارفرما است. بنابراین خواهان حق طرح دعوا نداشت. با این حال، دادگاه تجدید نظر استدلال کرد؛ ماده ۵.۲ معاهده {برن} در این پرونده مؤثر بوده و قانون فرانسه به عنوان قانون حاکم بر این اختلاف می‌بایستی اعمال گردد. از آنجایی که قانون کپی‌رایت فرانسه تصریحی درخصوص حق مزبور برای کارفرما نداشت، دادگاه تجدید نظر حکم به نفع فیلمبردار داد. (بارت و دیگران، ۲۰۱۳ م؛ پی اتر اوت، ۲۰۰۶ م؛ سایت سی‌سی دیجیتال لا)

همانطور که ملاحظه می‌شود، هرچند اصل استقلال حقوق، از جمله اصول مقرر در معاهدات بین‌المللی است، لیکن متمایز از اصل حاکمیت دولت‌ها می‌باشد. به عبارتی اصل استقلال حقوق یکی از نتایج اصل استقلال حاکمیت دولت‌هاست.

نتیجه‌گیری

همانطور که در قانونگذاری داخلی بسته به شرایط افراد تحت حاکمیت، قانون می‌بایستی از انعطاف‌پذیری لازم برخوردار باشد. اجرای قواعد حقوقی مقرر در معاهدات بین‌المللی نیز به نحوی یکسان بر کشورهایی با فرهنگ و درجه توسعه‌یافتگی متفاوت، امکان‌پذیر نمی‌باشد. به همین جهت بر طبق بند «C» مقدمه موافقت‌نامه تریپس یکی از دغدغه‌های این معاهده: «... ارائه طرق مؤثر و مناسب، برای اجرای حقوق مالکیت فکری مرتبط با تجارت با در نظر گرفتن تفاوت‌های موجود میان نظام‌های حقوقی» می‌باشد. بنابراین هرچند از دول متعاقد توقع یکسان‌سازی قوانین داخلی با قواعد مقرر در معاهدات می‌رود، لیکن به جهت فراهم‌آمدن امکان الحاق تعداد بیشتری از کشورها به معاهدات بین‌المللی مالکیت فکری با تأکید بر التزام دول عضو به اصول و قواعد مقرر در موافقت‌نامه‌های مزبور اختیاراتی به دول متعاقد اعطا شده است، بدین طریق علاوه بر هماهنگی و یکسان‌سازی قواعد مالکیت فکری در سطح جهانی، اشراف دول متعاقد به این اختیارات و استفاده از این ظرفیت‌ها منجر به تدوین قوانین ملی پویا و منطبق با شرایط خاص آن جامعه می‌گردد. این آزادی عمل منبعث از احترام به استقلال حاکمیت دول متعاقد می‌باشد.

پی‌نوشت‌ها

1. Article 27 of Vienna Convention on the Law of Treaties on 23 May 1969 and entered into force on 27 January 1980.

۲. مسؤولیت بین‌المللی عبارت است از: «الزام به جبران خسارت (مادی یا معنوی) وارده بر موضوعات یا تابعان حقوق بین‌الملل (کشورها و سازمان‌های بین‌المللی) که این خسارات باید ناشی از عمل یا خودداری از عمل غیر مشروع و مخالف حقوق بین‌الملل (عرفی یا معاهده‌ای) یکی از تابعان حقوق بین‌الملل باشد. (ضیایی بیگدلی، ۱۳۹۳ ش.)»

3. Paris Convention for the Protection of Industrial Property of March 20, 1883 revised in Brussels on December 14, 1900. In Washington on June 2, 1911. In the Hague on November 6, 1925. In London on June 2, 1934. in Lisbon on 31 October 1958. In Stockholm on July 14, 1967 and amended on September 28, 1979.

4. Berne Convention for the Protection of Literary and Artistic Works 9 of September 1886, completed at Paris on May 4, 1896, revised at Berlin on 4 November 1896, revised at Berlin on November 13, 1908, completed at Bern on March 20, 1914, revised at Rome on June 2, 1928, at BRUSSELS on June 26, 1948, at Stockholm on July 14, 1967, and at Paris on July 24, 1971, and amended on September 28, 1979.

5. International Convention for the Protection of Performers of Phonograms and Broadcasting Organizations Done at Rome on October 26, 1961.

6. Treaty on Intellectual Property in Respect of Integrated Circuits Done at Washington, D.C., on May 26, 1989.

7. The Agreement on Trade-Related Aspects of Intellectual Property Rights (TRIPS) signed in Marrakesh, Morocco on 15 April 1994.

۸. البته اعمال این حق از طریق تودیع اعلانیه نزد دبیر کل سازمان ملل است.

9. Limited Exceptions

۱۰. با وحدت ملاک از تفسیر هیأت رسیدگی، نهاد حل و فصل اختلافات سازمان تجارت جهانی در پرونده حمایت حق ثبت محصولات دارویی {کانادا} ۱۹۹۹ از ماده ۳۰ موافقت‌نامه تریپس.

۱۱. به موجب ماده ۷۲ موافقت‌نامه تریپس، اعضا بدون موافقت اعضای دیگر نمی‌توان قیود و شروطی را در خصوص هر یک از مقررات موافقت‌نامه حاضر قائل شد و به موجب ماده ۲۲ کنوانسیون پاریس، طبق استثنائات مندرج در شق «الف» بند ۱ ماده ۲۰ و بند ۲ ماده ۲۸، تصویب یا الحاق باید به طور خودکار شامل پذیرش تمامی شروط و پذیرش تمامی منافع حاصل از این قانون نیز باشد. همچنین ماده ۳۳

معاهده برن اذعان می‌دارد حق رزرو پیش‌بینی‌شده، صرفاً در خصوص عدم پذیرش صلاحیت دیوان بین‌المللی دادگستری در اختلافات راجع به تفسیر یا اجرای این معاهده {که با مذاکره رفع نمی‌شود} می‌باشد. به موجب ماده ۱۳ معاهده مدارهای یکپارچه واشنگتن، حق رزرو ممنوع شده است. با مطالعه بند ۳ ماده ۵، بند ۲ ماده ۶، بند ۱ ماده ۱۶، ماده ۱۷ کنوانسیون رم ۱۹۶۱ مشخص می‌شود، علیرغم آنکه حق شرط در ماده ۳۱ ممنوع می‌باشد، حق شرط در کنوانسیون رم به طور محدود پذیرفته شده است.

12. New or Original

به جهت به کاربردن حرف ربط هم پایه «or»، وجود یکی از دو معیار کفایت می‌کند. ۱۳. بدین صورت علامتی که درخواست ثبت گواهی‌نامه آن شده، از علامت‌ها و یا نشانه‌هایی ترکیب یافته که در اصطلاح جاری یا در عادات مشروع و ثابت تجارتی کشور مورد تقاضا، ممکن است برای تعیین نوع، کیفیت، کمیت، مقصد، قیمت، مبدأ محصولات و یا زمان تولید کار برده داشته باشد که این کاربرد خاص این علامت در کشور متقاضی حسب مورد ممکن است، منجر به رد تقاضا یا ابطال گواهی‌نامه صادره شود.

۱۴. قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به اصلاحات به عمل آمده در کنوانسیون پاریس برای حمایت از مالکیت صنعتی در استکهلم به سال‌های ۱۹۶۷ و ۱۹۷۹ میلادی برابر با سال‌های ۱۳۴۶ و ۱۳۵۸ شمسی.

فهرست منابع

الف - فارسی:

- الیاسی، مرتضی. (۱۳۸۳ ش.). حق شرط در معاهدات بین‌المللی. مجله معرفت. دوره یازدهم، شماره هشتاد و دوم، ص ۷۵.
- آقابخشی، علی. (۱۳۷۶ ش.). فرهنگ علوم سیاسی. تهران: مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران، جلد سوم، ص ۲۷۷.
- آموزگار، مریم‌سادات. (۱۳۸۲-۸۳ ش.). آثار حقوقی عضویت ایران در سازمان تجارت جهانی درخصوص حق مؤلف. تهران: پایان‌نامه دوره دکتری دانشکده حقوق دانشگاه تهران، ص ۲۷۴.

- تقی‌زاده انصاری، محمد. (۱۳۷۹ ش.). استقلال سیاسی و استقلال اقتصادی. *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی* (دانشگاه تهران). دوره چهل و نهم، شماره پیاپی هتصد و هفتاد و نهم، ص ۹۱.
- دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۷۷ ش.). *لغت‌نامه دهخدا*. تهران: انتشارات چاپ گستر با همکاری انتشارات روزنه، جلد دوم، چاپ دوم از دوره جدید، ص ۲۱۷۷.
- زرکلام، ستار. (۱۳۹۳ ش.). *حقوق مالکیت ادبی و هنری*. تهران: انتشارات سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت) پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی، چاپ سوم، ص ۴۵۳.
- شفیعی شکیب، مرتضی. (۱۳۸۱ ش.). *حمایت از حق مؤلف قوانین و مقررات ملی و بین‌المللی*. تهران: انتشارات خانه کتاب، چاپ اول، ص ۲۷.
- شیخی، مریم. (۱۳۹۴ ش.). *اصول حقوق مالکیت فکری*. تهران: بنیاد حقوقی میزان، چاپ اول، ص ۲۱۴.
- ضیایی بیگدلی، محمدرضا. (۱۳۹۴ ش.). *حقوق بین‌الملل عمومی*. تهران: انتشارات گنج دانش، چاپ پنجاه و یکم، ص ۴۲۵.
- فردروس، آلفرد. (۱۳۷۴ ش.). *اصول کلی حقوق بین‌الملل در نظام منابع حقوق بین‌الملل عمومی*. مترجم اردشیر امیرارجمند. *نشریه تحقیقات حقوقی*. دوره اول، شماره شانزدهم و هفدهم، صص ۳۵۴.
- فلسفی، هدایت‌الله. (۱۳۹۳ ش.). *حقوق بین‌الملل معاهدات*. تهران: انتشارات فرهنگ نشر نو با همکاری نشر آسیم، چاپ چهارم، ص ۲۹۹.
- کاتوزیان، ناصر. (۱۳۹۴ ش.). *مقدمه علم حقوق و مطالعه در نظام حقوقی ایران*. تهران: شرکت سهامی انتشار، چاپ یکصد و یکم، ص ۲۲۷.
- کردبچه، مرجان. (۱۳۹۰ ش.). *حقوق حاکم بر آثار هنری و کنوانسیون‌های بین‌المللی*. تهران: انتشارات خرسندی، چاپ اول.
- محمدزاده وادقانی، علیرضا. (۱۳۹۳ ش.). *گفتاری در حقوق بین‌الملل مؤلف و حقوق مجاور*. تهران: بنیاد حقوقی میزان، چاپ اول، ص ۱۵.
- محمدزاده وادقانی، علیرضا. حکیم شفایی، شیوا. (۱۳۹۳ ش.). *حقوق مالکیت‌های فکری سازمان‌های پخش رادیویی و تلویزیونی. دو فصلنامه دانش و پژوهش حقوقی*. سال سوم، شماره اول، صص ۹۱-۱۳۸.

محمدزاده وادقانی، علیرضا. محسنی، حسن. (۱۳۸۸ ش). ترجمه معاهده برن برای حمایت از آثار ادبی و هنری (۱). فصلنامه حقوق مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی. دوره سی و نهم، شماره دوم، صص ۴۰۶-۳۸۵.

میرحسینی، سیدحسن. (۱۳۹۴ ش). مقدمه‌ای بر حقوق مالکیت معنوی. تهران: بنیاد حقوقی میزان، چاپ پنجم، ص ۲۵۷.

ب - لاتین:

Bart, AH. Englund, SR. Kohlmann, SJ. Higginson, CF. (2013). Copyright in 26 jurisdictions worldwide, Getting the Deal Through. London: Published by Gideon Robertson, 50-51.

Bouchoux, DE. (2013). Intellectual Property: The Law of Trademarks, Copyrights, Patents and Trade Secrets. 4th ed. New York: Delmar Publications, 323.

Brown, PH-M. (1915). The Theory of the Independence and Equality of States. *AJIL, The American Journal of International Law*. 9(2): 305-335.

Gevorgyan, K. (2014). Concept of State Sovereignty: Modern Attitude. No Place: Proceedings of Yerevan State University, 433.

ILC Yearbook. Report of the Commission to the General Assembly on the work of its thirty-first session (1978). New York: United Nations Publication, Vol.2 Part.2, 16, 23-25.

Keren, M. Sylvan, DA. (2002). International Intervention Sovereignty versus Responsibility. London: Routledge, 40.

Lall, VK. Khemchand, D. (2002). Encyclopedia of International Law. New Delhi: Anmol Publications Pvt Ltd, Vol.3, 131.

Matulionytė, R. (2013). Calling for party autonomy in intellectual property infringement cases. *Journal of Private International Law*. 9(1): 77-99.

Piotrautl, JL. (2006). An Authors' Rights-Based Copyright Law: The Fairness and Morality of French and American Law Compared. *Cardozo Law's Arts & Entertainment Law Journal*. 25(549).

Reichman, JH. (1995). Universal Minimum Standards of Intellectual Property Protection under the TRIPS Component of the WTO Agreement. *American Bar Association*. 29(2): 345-388.

یادداشت شناسه مؤلفان

فرانک خاکسار: دانشجوی دکتری، گروه حقوق خصوصی، دانشکده علوم انسانی، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران.

زهره فرخی: استادیار، گروه حقوق خصوصی، دانشکده علوم انسانی، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران. (نویسنده مسؤول)

پست الکترونیک: Farrokhi.zohreh@gmail.com

بهنام انصافی آذر: استادیار، گروه حقوق خصوصی، دانشکده علوم انسانی، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران.

The Principle of States Sovereignty Parties to the Fundamental International Intellectual Property Treaties and Legislation

Faranak Khaksar

Zohreh Farrokhi

Behnam Ensafi Azar

Abstract

As in domestic law, depending on the circumstances of the people under the rule, the law must be flexible. It is not possible to apply the legal rules set out in international treaties equally to countries with different cultures and degrees of development. Therefore, in paragraph (c) of the Introduction to the Agreement on trade-related aspects of intellectual property rights (TRIPS), one of the concerns of this treaty is to; ..." the provision of effective and appropriate means for the enforcement of trade-related intellectual property rights, taking into account differences in national legal systems." In order to make it possible for more countries to accede to international treaties and consequently bring more countries into line with the rules of intellectual property, emphasizing the commitment to the principles and rules set out in international intellectual property conventions, authority is given to member states. This flexibility leads to the accession of more countries to these treaties, so the possibility of unifying the rules of intellectual property at the world. The knowledge of these capacities can lead to development domestic rules according to their society. Those powers are derived from respect to the principle of states sovereignty.

Keywords

Legislation, The Sovereign State, Intellectual Property and International Treaties